

## ظرفیت‌شناسی حقوق در کنترل ازدواج‌هراسی

فرج‌الله هدایت‌نیا

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

Hedayatnia@iict.ac.ir

### چکیده

ازدواج‌هراسی به عنوان یک آسیب اجتماعی، علت‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی دارد. بعضی ساختارهای قانونی خانواده در جمهوری اسلامی ایران نیز باعث هراس آقایان و بانوان نسبت به ازدواج بوده و علت مجردزیستی بعضی از آنان است. تعهدات مالی زوج و محدودیت‌های اجتماعی زوج در مجموعه قوانین خانواده، ریسک ازدواج را برای آنان افزایش داده و یکی از عوامل تأخیر در ازدواج و گرایش به سمت الگوهای جایگزین ازدواج است. این وضعیت عمده‌تأ از مداخلات حقوقی نسنجیده قانونگذار و همچنین تحولات اجتماعی زمان ما نشأت گرفته است. دانش حقوق از ظرفیت‌های قابل توجهی در پیشگیری از ازدواج‌هراسی برخوردار است. پژوهش کنونی ضمن تشریح ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی در نظم حقوقی کنونی، به روش کتابخانه‌ای، ظرفیت‌های تقنینی و قراردادی علم حقوق را در کنترل ازدواج‌هراسی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و چالش‌های آن را تشریح کرده است.

**واژگان کلیدی:** مجردزیستی، ازدواج‌هراسی، حقوق خانواده، فقه خانواده.

## مقدمه

۱. تعریف ازدواج‌هراسی: اصطلاح ازدواج‌هراسی<sup>۱</sup> به ترس غیرعادی از ازدواج معنی شده است (27/1/1400' <https://www.vajehyab.com>). بعضی با توضیح بیشتری درباره این اصطلاح نوشته‌اند: «ازدواج‌هراسی یا گاموفوبیا نوعی ترس غیرواقعی از پیمان بستن، تعهد دادن و پذیرا شدن التزام برای باقی ماندن در یک ارتباط ثابت و صادقانه در کنار یک شخص دیگر برای همیشه است. گاموفوبیا اصطلاحی است که برای توصیف ترس‌های غیرعادی از تعهد و ازدواج به کار می‌رود» (27/1/1400' <https://www.migna.ir>). نیز نوشته‌اند: «ترس از ازدواج یا گاموفوبیا نوعی ترس غیرواقعی است که فرد را از قبول مسئولیت ازدواج باز می‌دارد و او را از دنیای متاهلی و زندگی مشترک دور می‌کند» (27/1/1400' <https://namnak.com>). ازدواج‌هراسی از افزایش ریسک<sup>۲</sup> ازدواج در جامعه ناشی می‌گردد. کلمه ریسک به معنی خطر و نااطمینانی از آینده است. در ازدواج همواره مقداری ریسک وجود دارد، ولی وقتی میزان آن از حد متعارف فراتر رود، هراس از ازدواج ایجاد می‌نماید.

۲. علت‌های ازدواج‌هراسی: ازدواج‌هراسی و مجردزیستی علت‌های گوناگونی دارد (نک: هدایت‌نیا، ۱۴۰۰، ص ۴۴). بررسی علل فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی ازدواج‌هراسی خارج از موضوع نوشتار کنونی است. مسأله اصلی پژوهش کنونی، علت‌های حقوقی ترس از ازدواج است و منظور از آن، برخی ساختارهای قانونی است که ریسک ازدواج را افزایش داده و باعث گریز جوانان از ازدواج می‌شود. از نظر حقوقی، عدم توازن میان حقوق و مسئولیت‌های زن و شوهر می‌تواند باعث هراس دختران و پسران از ازدواج شده و به تأخیر در آن بی‌انجامد. دلیل این مطلب آن است که اشخاص عاقل در تصمیم‌های مهم زندگی خود، حسابگر هستند و آثار مثبت و پیامدهای منفی آن را مقایسه می‌نمایند. در صورتی که آثار مثبت آن بر پیامدهای منفی بیشتر باشد، بر قصدشان مصمم خواهند شد؛ در غیر این صورت از آن منصرف می‌گردند. این مبنای عقلی، دلیل شرعی نیز دارد. در روایتی از رسول گرامی اسلام

1. gamophobia

2. Risk

(ص) نقل شده است که فرمود: «هرگاه قصد انجام کاری داری، نخست در فرجام آن بیندیش؛ اگر خیر و نیکی است انجام بده و اگر گمراهی است از آن خودداری کن»<sup>۱</sup> (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۶۵ و ۶۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۴۹ و ۱۵۰).

ممکن است گفته شود: مبنای قانونگذاری به‌طور کلی و قوانین خانواده در جمهوری اسلامی ایران احکام شرعی است و احکام شرعی بر مبنای مصالح واقعی و برای سعادت دنیا و آخرت بشر تشریع شده است. بر این اساس، چگونه می‌توان قوانین مبتنی بر شریعت اسلامی را منشأ هراس از ازدواج به شمار آورد! در پاسخ این اشکال باید بگوییم: بعضی مشکلاتی که در این نوشتار از آنها سخن خواهیم گفت، ناشی از مداخلات نسنجیده قانونگذار و برداشت‌های نادرست از شریعت و بعضی دیگر، از دگرگونی در اوضاع و احوال اجتماعی ناشی می‌شود. به عنوان نمونه، مهریه‌های نامتعارف و گرانی بی‌رویه سکه‌های طلا در زمان ما، و همچنین تغییر کارکردهای مهریه در عرف اجتماعی ما، ساختار قانونی مهریه را به یکی از مهم‌ترین علت‌های ازدواج‌هراسی مبدل ساخته است.

۳. پیامدهای ازدواج‌هراسی: ازدواج‌هراسی باعث تأخیر در ازدواج می‌شود. آمار بالای بی‌همسران کشور گواه این مسئله است. بر اساس اظهارات مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور که در سال ۱۳۹۵ منتشر گردید، میلیون‌ها دختر و پسر ایرانی در سن ازدواج مجرّد هستند ( <https://www.isna.ir> ) (17/9/1397).

۱. «عَنْ مَسْعُودَةَ بِنِ صَدَقَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ: أَنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْصِنِي. فَقَالَ لَهُ: «فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَوْصَيْتُكَ؟» حَتَّى قَالَ ذَلِكَ ثَلَاثًا، فِي كُلِّهَا يَقُولُ الرَّجُلُ: نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ، فَإِنْ يَكُنْ رُشْدًا فَاْمُضِهِ، وَإِنْ يَكُنْ غِيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ».

| گروه سنی                          | پسران مجرد | دختران مجرد | جمع        |
|-----------------------------------|------------|-------------|------------|
| سن متعارف ازدواج (کمتر از ۳۴ سال) | ۵,۵۷۰,۰۰۰  | ۵,۶۷۰,۰۰۰   | ۱۱,۲۴۰,۰۰۰ |
| سن میانی ازدواج (۳۴ تا ۵۰ سال)    | ۳۲۰,۰۰۰    | ۹۸۰,۰۰۰     | ۱,۳۰۰,۰۰۰  |
| سن مجرد قطعی (بیش از ۵۰ سال)      | ۶۲,۰۰۰     | ۹۰,۰۰۰      | ۱۵۲,۰۰۰    |
| مجموع بی‌همسران کشور              | ۵,۹۵۲,۰۰۰  | ۶,۷۴۰,۰۰۰   | ۱۲,۶۹۲,۰۰۰ |

مطابق آمار فوق، گروه فراوانی از جوانان کشور دچار تأخیر در ازدواج هستند. افزون بر این، جمع قابل توجهی از زنان و مردان کشور که قبلاً متأهل بودند، به علت طلاق یا فوت همسر مجرد زندگی می‌کنند. مطابق گزارش مرکز ملی آمار ایران، جمعیت بی‌همسرانی که قبلاً متأهل بوده ولی به علت فوت یا طلاق همسر اکنون مجرد هستند، مجموعاً ۸۳۳۸۸۴،۳ نفر می‌باشد. ۳,۱۱۱,۷۶۹ نفر از آنان زن و ۷۲۲,۱۱۵ نفر از آنان مرد هستند (<https://www.amar.org.ir> 17/9/1397).

گرایش به الگوهای بدیل ازدواج اعم از الگوهای مشروع مانند ازدواج موقت یا نامشروع نظیر هم‌بودگی<sup>۱</sup> و روابط دوستانه،<sup>۲</sup> از نتایج ازدواج‌هراسی است. این وضعیت دور از انتظار نیست. زیرا بطور معمول، هرگاه مسیر متعارف، از دسترس خارج گردد یا هزینه و ریسک آن افزایش یابد، گرایش به مسیرهای جایگزین افزایش می‌یابد. بنابراین، ازدواج‌هراسی یک معضل<sup>۳</sup> یا آسیب اجتماعی<sup>۴</sup> است.

۴. ضرورت مانع‌زدایی از ازدواج در حقوق عمومی ایران: افزایش جمعیت بی‌همسران کشور، جامعه ایرانی را با بحران جنسی مواجه ساخته است و راه چاره‌ای برای آن جز تسهیل ازدواج جوانان به نظر نمی‌رسد. بر این اساس، در قواعد دستوری و اسناد بالادستی

1. cohabitation
2. Sex partner
3. Social problem
4. Social harm

جمهوری اسلامی ایران به صورت مکرر بر رفع موانع ازدواج جوانان تأکید شده است. به صراحت اصل دهم قانون اساسی، «... همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده» باشد. بند چهارم سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) با تأکید و توضیح بیشتر بیان می‌دارد: «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی». نظیر همین تعبیر در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲)، قانون تسهیل ازدواج جوانان (۱۳۸۴) و غیره وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۵. ظرفیت‌های حقوقی کنترل ازدواج‌هراسی: دانش حقوق از ظرفیت‌های قابل توجهی در کنترل موج ازدواج‌هراسی برخوردار است. روش‌های «تقنینی» و «قراردادی»، دو ظرفیت مهم علم حقوق‌اند که با بهره‌جویی صحیح و سنجیده از هر کدام آنها، می‌توان بر معضل مجردیستی و عوارض ناشی از آن فائق آمد. مقصود از ظرفیت «تقنینی»، اختیارات قوه مقننه در اصلاح ساختارهای حقوقی هراس‌زا و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی لازم برای کنترل آن است. منظور از ظرفیت «قراردادی»، شروط ضمن عقد نکاح است. دانش حقوق از طریق شروط ضمن عقد، به طرفین عقد ازدواج این امکان را می‌دهد که آثار قانونی عقد نکاح را تعدیل نموده و بر ترس یا اضطراب خود غلبه کنند.

۶. پیشینه مسئله پژوهش: ازدواج‌هراسی پدیده‌ای جدید است که در زمان ما مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. با وجود اهمیت مسأله پژوهش و ظرفیت‌های قابل توجه دانش حقوق در کنترل ازدواج‌هراسی، این موضوع مورد توجه پژوهشگران فقه و حقوق قرار نگرفته و نگارنده به تألیف یا تحقیقی پیرامون علل یا راهکارهای فقهی و حقوقی کنترل آن برنخورده است.

۷. ساختار و سازماندهی پژوهش: مباحث پژوهش کنونی در دو قسمت سازماندهی می‌گردد. در قسمت نخست، ظرفیت تقنینی کنترل ازدواج‌هراسی بررسی خواهد شد. در مباحث این قسمت، ضمن تشریح علت‌های اقتصادی و اجتماعی ازدواج‌هراسی در قوانین

خانواده، روش‌های اصلاح ساختارهای قانونی مانع ازدواج تشریح می‌شود. در قسمت دوم، ظرفیت قراردادی یا شرط ضمن عقد برای پیشگیری از ازدواج‌هراسی بررسی و برخی چالش‌های آن تبیین خواهد شد.

### ۱. ظرفیت تقنینی کنترل ازدواج‌هراسی

مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل حق قانونگذاری دارد. در نتیجه، یکی از ظرفیت‌های مهم علم حقوق برای حل مسایل اجتماعی از جمله مسأله ازدواج‌هراسی، بهره‌جویی از اختیار تقنینی مجلس شورای اسلامی است. در مباحث این قسمت، نخست علت‌های قانونی ازدواج‌هراسی شناسایی می‌گردد و سپس، روش‌های حقوقی اصلاح قوانین مزبور تشریح خواهد شد.

#### ۱.۱. بررسی علت‌های ازدواج‌هراسی در قوانین خانواده

در قوانین خانواده جمهوری اسلامی ایران مقرراتی وجود دارد که باعث هراس جوانان از ازدواج می‌شود. ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی در دو دسته کلی «اقتصادی» و «اجتماعی» قابل بررسی و ارزیابی است.

#### ۱.۱.۱. علت‌های اقتصادی ازدواج‌هراسی در قوانین خانواده

تعهدات اقتصادی شوهر در حقوق خانواده ایران، مهم‌ترین عامل حقوقی ازدواج‌هراسی آقایان است.

#### ۱.۱.۱.۱. ضمانت اجرای مدنی و کیفری عدم پرداخت مهریه

برای مهریه در حقوق ایران حدی معین نشده و به تراضی طرفین موکول گردیده است (ماده ۱۰۸۰ ق.م). برای عدم پرداخت مهریه ضمانت اجرای متعددی پیش‌بینی شده است. زوجه حق دارد تا مهر به او تسلیم نشد از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد خودداری نماید و این امتناع مسقط حق وی بر نفقه نخواهد بود (ماده ۱۰۸۵ ق.م).<sup>۱</sup> با توجه به بالا بودن میزان مهریه در زمان ما و افزایش بی‌رویه قیمت سکه‌های طلا، کمتر کسی از تمکن مالی برای تسلیم مهر برخوردار است. در صورتی که اعسار زوج ثابت گردد، دادگاه به

۱. مواد ۱۰۸۵ قانون مدنی: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود».

تقسیم مهر حکم خواهد داد. با توجه به رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور (شماره ۷۰۸، مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۳)، حق حبس زوجه تا دریافت آخرین قسط مهریه باقی است و در همین فرض پرداخت نفقه نیز بر شوهر لازم است، و اگر با وجود تمکن مالی، از پرداخت نفقه همسر به بهانه عدم تمکین وی خودداری نماید، پیامد کیفری ترک انفاق نیز دامن وی را خواهد گرفت و شوهر به زندان خواهد رفت (تبصره ماده ۵۳ ق.ح.خ). افزون بر این، زن حق دارد مهر خود را از طریق توقیف اموال شوهر استیفا نماید (هدایت‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۸۴) و تحت شرایطی شوهر را به زندان بباندازد (همان، ص ۸۵). در سال‌های گذشته، بیش از چهار هزار نفر به علت عدم پرداخت مهریه در زندان به سر می‌برده‌اند (<https://www.eghtesadonline.com> 29/2/1398). هرچند بسیاری از آنها با تدابیر مقامات قضایی از زندان آزاد شده‌اند، ولی مسئله هنوز حل نشده و یکی از موانع ازدواج جوانان به شمار می‌آید.

#### ۱،۱،۱،۲. ضمانت اجرای مدنی و کیفری عدم پرداخت نفقه

در حقوق خانواده ایران، نفقه و میزان آن با لحاظ شأن و موقعیت اجتماعی زن تعریف و تعیین می‌شود و توان مالی شوهر در آن هیچ دخلتی ندارد (ماده ۱۱۰۷ ق.م). گستره نفقه همه نیازهای حیاتی (خوراک و دارو)، ضروری (پوشاک و مسکن)، و رفاهی (خدمتکار) زوجه را شامل می‌گردد. در صورتی که شوهر از انفاق به همسر امتناع کند یا عاجز از انفاق شناخته شود، به درخواست زوجه از سوی دادگاه به طلاق مجبور خواهد شد (ماده ۱۱۲۹ ق.م). همچنین، امتناع شوهر از انفاق به همسر با وجود تمکن مالی می‌تواند به محکومیت کیفری وی بینجامد (ماده ۵۳ ق.ح.خ).<sup>۱</sup> امروزه گروهی از بانوان شاغل هستند و استقلال مالی دارند و در عین حال، استحقاق نفقه آنان همراه با ضمانت اجرای مذکور ثابت است.

#### ۱،۱،۱،۳. اجرت‌المثل و شرط انتقال تا نصف دارایی

افزون بر آنچه بیان گردید، در تحولات حقوقی سال‌های پس از انقلاب اسلامی، تعهدات مالی شوهر افزایش یافته است. زن می‌تواند اجرت‌المثل خدمات دوران زوجیت را

۱. نک: ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.

از شوهر مطالبه نماید (تبصره ماده ۳۳۶ ق.م).<sup>۱</sup> در صورتی که شرایط استحقاق زوجه برای اجرت‌المثل ثابت نباشد، دادگاه به استناد بند (ب) تبصره ششم ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱۳۷۱)، شوهر را به پرداخت نحله محکوم خواهد کرد.<sup>۲</sup>

گفتنی است: به استناد بند الف شروط ضمن عقد نکاح، شوهر متعهد است تا نصف اموال خود را که از روز عقد به دست آورد، به همسرش انتقال دهد تا بتواند وی را طلاق دهد؛ مگر اینکه عذر موجهی از نظر دادگاه داشته باشد. بر اساس رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، اجرت‌المثل (یا نحله) و شرط انتقال تا نصف دارایی قابل جمع است (رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹-۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور). بنابراین، اگر مردی به دلیل نارضایتی و بی میلی به همسر بخواهد وی را طلاق دهد، علاوه بر مهریه، ممکن است ناگزیر شود اجرت‌المثل خدمات زن در سال‌های زندگی مشترک را به وی بپردازد و افزون بر همه اینها، تا نصف اموال موجود خود را به وی تملیک نماید!

#### ۱،۱،۲. علت‌های اجتماعی ازدواج‌هراسی در قوانین خانواده

بر خلاف علل قانونی ازدواج‌هراسی مردان که ماهیت اقتصادی دارد، علل ازدواج‌هراسی بانوان مربوط به حقوق و آزادی‌های اجتماعی و همچنین محدودیت آنان در انحلال نکاح است. توضیح مختصر هر یک از این امور در زیر خواهد آمد.

#### ۱،۱،۲،۱. مسئله چندهمسری

مطابق بیان قرآن کریم، مردان با رعایت عدالت می‌توانند بیش از یک همسر داشته باشند. چندهمسری تدبیر حکیمانه‌ای برای پیشگیری از آلوده‌دامنی و حفظ عفت عمومی است. همچنین، این تدبیر فرصتی برای زنان بیوه یا مطلقه است که بتوانند مجدداً تشکیل خانواده داده و برای خود تکیه‌گاهی داشته باشند. به رغم آثار مثبتی که برای تعدد زوجات شمرده می‌شود، اختیار مرد در چندهمسری برای مردانی که به اخلاق خانواده التزامی ندارند،

۱. تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید».

۲. «در غیر مورد بند (الف) با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید».



استحکام خانواده و امنیت زنان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، حق شوهر در اختیار همسر دیگر را به مواردی مانند رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر و غیره محدود کرده است. ولی شورای نگهبان، ضمانت اجرای کیفری مذکور در ماده ۱۷ این قانون را غیرشرعی اعلام کرده است (نظریه شماره ۱۳۶۳/۵/۹/۱۴۸۸، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۵۰۲، مورخ ۱۳۶۳/۶/۳). بر این اساس، قانون مزبور فاقد ضمانت اجرا است و به همین دلیل، اختیار شوهر در چندهمسری از اموری است که برای زنان هراس‌آور است. زیرا بیم آن دارند، زندگی مشترکشان با ورود زنی دیگر به زندگی شوهر، سست و حقوقشان ضایع گردد (نک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۹).

#### ۱،۱،۲،۲. اختیارداری شوهر در طلاق

حق طلاق در حقوق خانواده از دو بعد برای بانوان هراس‌آور است. بعد نخست، اختیار مطلق شوهر در طلاق است. مطابق متن اولیه ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی (م ۱۳۱۴) «مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد». با وجود این قانون، زنان در زندگی مشترک امنیت نخواهند داشت. خوشبختانه این قانون پس از انقلاب اسلامی اصلاح و حق طلاق شوهر به جهاتی محدود گردید. بعد دوم مسأله، نفی حق طلاق زنان است. در حقوق خانواده ایران، زن جز در صورت وجود علت‌های قانونی، نمی‌تواند از شوهرش طلاق بگیرد. مقصود از علت‌های قانونی، ترک انفاق (ماده ۱۱۳۹ ق.م)، عسر و حرج (ماده ۱۱۳۰ ق.م)، مفقود الاثر بودن شوهر (ماده ۱۰۲۹ ق.م) و وکالت زن از شوهر (ماده ۱۱۲۹ ق.م) است. صرف نظر از دشواری‌های اثبات جهات مذکور در مقررات فوق، در مواردی که شوهر قادر به ایفای وظیفه زناشویی نباشد، یا زوجه از شوهر منزجر باشد، وی به آسانی نمی‌تواند از شوهر طلاق بگیرد (نک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵-۲۴۵). زیرا بر شوهر واجب نیست با طلاق زن موافقت کند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۶۳). ضمن اینکه وی می‌تواند طلاق را منوط به بذل مهر و استرداد اموالی نماید که در دوران زوجیت در اختیار همسرش قرار داده است. مطابق نظر مشهور (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۷) و قانون مدنی ایران (ماده ۱۱۴۶ ق.م)، بذل در طلاق خلع ممکن است بیش از اموالی باشد که از شوهر به زن رسیده است.

محدودیت‌های حقوقی بانوان در طلاق، باعث هراس آنان از ازدواج خواهد شد؛ زیرا بیم آن می‌رود که در انتخاب همسر اشتباه کنند، یا پس از ازدواج به دلایلی از همسر خود منزجر و دچار طلاق عاطفی شوند و با وجود این ناگزیر باشند به زندگی ناخواسته ادامه دهند.

### ۱، ۱، ۲، ۳. گستره ریاست شوهر

به صراحت قرآن کریم، شوهر قوام بر زن است (نساء: ۳۴). قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۰۵ شوهر را رئیس خانواده نامیده است. بر اساس تفسیری از قوامیت یا ریاست شوهر، شوهر بر همسرش مسلط و مسخر است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵۸؛ اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۳۶؛ موسوی گلپایگانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۹۲). نیز مشهور فقها، خروج زن از منزل را به هر منظوری که باشد منوط به اذن شوهر دانسته‌اند؛ حتی اگر به سوی منزل خانواده و خویشان خود، یا عیادت بیماران یا حضور بر مردگان و تعزیت آنان باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۰۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۸؛ حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۸۷؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۶۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۴، ص ۵۸۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۱۴۷؛ امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۳؛ سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۴).

مطابق آنچه بیان شد، شوهر ممکن است حضور اجتماعی همسر را محدود نماید و مثلاً با تحصیل یا اشتغال وی مخالفت کند. در سال‌های اخیر، مخالفت بعضی مردان با خروج همسرانشان از کشور جهت شرکت در مسابقات ورزشی خبرساز شده است (https://www.isna.ir' 28/1/1400; https://www.dw.com' 28/1/1400). در این قبیل موارد، بی‌اعتنایی زن به اراده شوهر و خروج وی از منزل به نشوز وی می‌انجامد. روشن است که این محدودیت‌ها برای دختران زمان ما که تحصیل، اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی برای آنان مهم است، بازدارنده است. کم نیستند دخترانی که پیشنهاد ازدواج را به دلیل بیم از مخالفت شوهر با اشتغالات علمی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و غیر آن نمی‌پذیرند و مجردیستی را بر محدودیت‌های تأهل ترجیح می‌دهند.

### ۱، ۲. اصلاح ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی

اصلاح ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی، گامی مؤثر در تشویق به ازدواج است.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه قوانین مورد نظر بر گرفته از فقه اسلامی است، لازم است روش‌های حقوقی اصلاح آنها تشریح گردد.

#### ۱،۲،۱. تغییر فتوای معیار قانونگذاری

##### ۱،۲،۱،۱. عدم تعیین فتوای معیار در نظام قانونگذاری ایران

فتوای معیار در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران معین نشده و چنین نیست که قانونگذار مقید باشد فتوای مقام رهبری یا فتوای مشهور فقها را ملاک قانونگذاری قرار دهد. از قانون اساسی و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی چنین بر می‌آید که نظر فتوایی فقهای شورای نگهبان ملاک تأیید یا ردّ مصوبات پارلمان است و نظر اکثریت آنان مبنا قرار می‌گیرد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۶۶). شورای نگهبان در نظریه تفسیری خود نیز همین نظریه را تأیید کرده است (مهرپور، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۳۸ و ۱۳۹). نتیجه مطلب فوق این است که قانونگذار می‌تواند به روش گزینشی، فتوایی را برگزیند که با اهداف مورد نظر هماهنگ باشد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۰۲). در مطالعه تحولات حقوقی، به‌ویژه در حوزه قوانین خانواده به مواردی بر می‌خوریم که قانون منافی مصالح خانواده، از طریق تغییر فتوای مبنای آن اصلاح شده است. به عنوان نمونه، مطابق متن اولیه ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت فرزندان پسر تا دو سالگی و حضانت فرزندان دختر تا هفت سالگی با مادر و از آن پس با پدر بوده است. این قانون با فتوای مشهور هماهنگ بوده است و با وجود این،

۱. در بعضی موارد، قانونگذار به این ظرفیت حقوقی برای رفع موانع ازدواج توجه نشان داده است. نمونه این مسأله، مانعیت ازدواج مادر طفل نسبت به حق حضانت او است. از نظر فقهی، ازدواج مادر با مردی غیر از پدر طفل، مانع حق حضانت او است (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۵۵۲). قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۷۰ با تأکید بر این مطلب بیان می‌دارد: «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است... به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود». اطلاق این قانون شامل مواردی که پدر طفل فوت گردید نیز می‌شود. مانعیت ازدواج نسبت به حضانت باعث می‌شود که این قبیل مادران از ازدواج خودداری نمایند تا حضانت فرزندشان را از دست ندهند. قانونگذار در مقام اصلاح قانون فوق برآمد و ابتدا در ماده واحده «قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها- مصوب ۱۳۶۴/۵/۶» و سپس در ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده، تصریح کرده است: «حضانت فرزندانی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد».

قانونگذار آن را اصلاح و با مبنا قرار دادن فتوای دیگر، حضانت فرزندان را به‌طورکلی تا هفت‌سالگی به مادر سپرده است. نمونه دیگر اصلاح قانون به روش گزینشی، ارث زوجه از عقال است. بر اساس متن اولیه ماده ۹۴۶ ق.م. سهم زوجه از اموال شوهر، به ابنیه، اشجار و اموال منقول محدود بوده و از وی عرصه سهمی نداشته است.<sup>۱</sup> این قانون بر اساس فتوای مقام رهبری اصلاح گردید و مطابق متن اصلاحی (۱۳۸۷/۱۱/۶)، «...زوجه در صورت فرزندان بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد...».

### ۱،۲،۱،۲. اصلاح ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی به روش گزینشی

برخی مناشی قانونی ازدواج‌هراسی که پیش از این اشاره شد، از موضوعات اختلافی فقه است و به همین دلیل، از طریق تغییر فتوای معیار و اصلاح قانون بر مبنای فتوای دیگر، می‌توان زمینه ازدواج‌هراسی را از بین برد. به بعضی نمونه‌های مربوط به مسأله مورد بررسی اشاره می‌گردد:

(۱) ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی درباره حق حبس زوجه بر مبنای نظر مشهور فقهی تنظیم شده است. همانطور که پیش از این اشاره شد، مهریه سنگین در زمان ما و حق حبس زوجه، ریسک ازدواج را برای آقایان بالا برده است. درباره این مسأله دیدگاه‌های فقهی دیگری نیز وجود دارد؛ بعضی فقها منکر حق حبس (عاملی، ۱۴۲۰، ۱: ۴۱۳؛ بحرانی، بی‌تا، ج، ص ۴۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۵۴) و بعضی نیز در آن تردید کرده‌اند (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۴۲۴). همچنین، بعضی حق حبس را ویژه مواردی می‌دانند که شوهر موسر باشد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۹۱). بر این اساس، قانونگذار می‌تواند قانون فوق را بر مبنای فتاوی دیگر اصلاح نماید. مثل اینکه از طریق الحاق تبصره‌ای به آن، حق حبس زوجه را به موارد ایسار زوج مقید نماید.

(۲) بخش اخیر ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی درباره اجبار عاجز از انفاق به طلاق، مطابق فتوای گروهی از فقها تنظیم شده است (موسوی خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۹؛ جواد تبریزی،

۱. ماده ۹۴۶ سابق (مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸): «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه از اموال ذیل: ۱. از اموال منقوله از هر قبیل که باشد. ۲. از ابنیه و اشجار».

۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۶۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۳۲۷؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۰۸). درباره این مسأله، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد و آن تأمین اقتصادی به جای طلاق قضایی است. مطابق این نظریه، حکومت اسلامی باید مرد عاجز از انفاق و خانواده‌اش را بلحاظ اقتصادی تأمین کند و در این صورت، زمینه‌ای برای طلاق باقی نمی‌ماند. صاحب جواهر با اشاره به این مطلب می‌نویسد: واجب است از بیت‌المال بر زوجین انفاق شود، یا بر مسلمین واجب کفایی است که آنان را تأمین نمایند: «ضروره وجوب الإنفاق علیهما من بیت‌المال أو من المسلمین کفایه مع فرض الإعسار»؛ (نجفی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۱۰۵). شایسته است بخش اخیر ماده ۱۱۲۹ ق.م. حذف گردد و از طریق الحاق تبصره‌ای به آن بر مبنای نظریه صاحب جواهر، دولت مکلف به تأمین مالی عاجز از انفاق و اشخاص واجب‌النفعه وی شناخته شده و از طلاق جلوگیری شود (نک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۲۵-۴۷).

موارد مذکور در بالا نشان می‌دهد که چگونه می‌توان به روش گزینشی، ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی را اصلاح نمود. با استفاده از همین روش، می‌توان مشکلات مربوط به نفقه زوجه، قلمرو ریاست شوهر، حق طلاق شوهر و موارد دیگر که قبلاً اشاره شد را اصلاح و تمایل جوانان به ازدواج را افزایش داد.

#### ۱،۲،۲. تغییر حکم مبنای قانونگذاری

##### ۱،۲،۲،۱. ظرفیت احکام ثانوی در حل معضلات اجتماعی

در مسائلی که راجع به آن اجماع یا اتفاق نظر فقهی وجود دارد، قانونگذار به روش گزینشی نمی‌تواند به اصلاح قانون مبادرت ورزد. در این قبیل موارد، از طریق «تغییر حکم مبنای قانونگذاری» می‌توان نسبت به اصلاح ساختار قانونی ازدواج‌هراسی اقدام کرد. احکام شرعی از جهتی به اولی و ثانوی تقسیم می‌گردند. مطابق تعریف مشهور فقهاء و اصولیون، حکم اولی، حکمی است که برای موضوع، بدون لحاظ آنچه بر آن عارض می‌گردد، وضع شده است (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۷۳). حکم ثانوی نیز حکمی است که برای موضوع، به لحاظ عناوین خاصه‌ای که بر آن عارض می‌گردد وضع شده است (همان). قوانین خانواده مانند سایر حوزه‌های اجتماعی، در اغلب موارد مبتنی بر احکام اولیه شرعی است. در بعضی

موارد، احکام اولیه غرض قانونگذار را تأمین نمی‌کند؛ به همین دلیل از احکام ثانوی برای تنظیم روابط خانوادگی استفاده شده است. همانطور که بعضی یادآور شده‌اند، احکام عناوین ثانویه، از مهم‌ترین اسباب حکومت اسلامی، برای حل مشکلات اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۴۶).<sup>۱</sup>

## ۱، ۲، ۳. نقش عناوین ثانوی در اصلاح ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی

یکی از شیوه‌های مؤثر در تحولات حقوقی سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حوزه حقوق خانواده و غیر آن، قانونگذاری بر مبنای عناوین ثانوی بوده است: تحدید اختیار شوهر در چندهمسری به موارد ضروری (ماده ۱۶ و ۱۷ ق.ح.خ سال ۱۳۵۳)، تحدید اختیار ولایی پدر در تزویج فرزند خردسال به اذن دادگاه (ماده ۱۰۴۱ ق.م)، طلاق قضایی (مواد ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، و ۱۰۲۹ ق.م)، الزام به مشاوره یا داوری در دعاوی طلاق توافقی و توافقی (مواد ۲۵ و ۲۷ ق.ح.خ، ۱۳۹۱)، و سایر موارد، نمونه‌های قوانین ثانوی در حقوق خانواده می‌باشند (نک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۰۹-۴۳۸).

اگر ثابت شود که ساختار قانونی مبتنی بر حکم اولی شرعی، موجب هراس از ازدواج است، با استفاده از ظرفیت عناوین و احکام ثانوی می‌توان نسبت به اصلاح آن اقدام کرد. زیرا تسهیل ازدواج بی‌همسران و رفع موانع آن برای کنترل بحران جنسی یک ضرورت انکارناپذیر است. بر این اساس، اگر تأثیر منفی قانون خاص بر ازدواج جوانان احراز گردد، اصلاح آن موجه خواهد بود.

## ۲. ظرفیت قراردادی کنترل ازدواج‌هراسی

حقوق خصوصی، حاکمیت اراده طرفین عقد را به رسمیت می‌شناسد. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران بیان می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». نیز ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی بیان می‌دارد: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند...». بر این اساس، زوجین می‌توانند از طریق توافق

۱. «کم من مشكلة عظيمة انحلت بمعونتها، و کم من عويصة غامضة مظلمة انكشفت في ضوء انوارها، فاحكام العناوين الثانوية من اهم اسباب الحكومة الاسلامية لحل المعضلات».

خصوصی یا شروط ضمن عقد، قوانین هراس آوری که در بند نخست به آنها اشاره شد را تعدیل نمایند. ابتدا نقش قراردادهای خصوصی در تعدیل آثار قانونی عقد نکاح و سپس برخی چالش‌های مهم مسئله را بررسی خواهیم کرد.

## ۲,۱. بررسی نقش قراردادهای خصوصی در تعدیل آثار عقد نکاح

برخی آثار عقد نکاح، فرض قانونی است و در صورتی که طرفین بر خلاف آن توافق نکنند، به معنی آن است که فرض مذکور را پذیرفته‌اند. آنان می‌توانند توافق خود را جایگزین اراده قانونگذار نمایند. این روش، تأثیر جدی در غلبه بر ازدواج‌هراسی است. در ادامه، به تأثیر قراردادهای خصوصی بر بعضی آثار هراس آور عقد نکاح اشاره خواهیم کرد.

### ۲,۱,۱. تعدیل قراردادی روابط مالی زوجین

به شرحی که در ادامه بیان می‌گردد، زوجین به دو طریق می‌توانند آثار قانونی مهر را تغییر دهند:

#### ۲,۱,۱,۱. شرط تأجيل در تسليم مهر

زوجین می‌توانند از طریق شرط ضمن عقد، برای تسلیم تمام مهر یا قسمتی از آن اجل یا موعدی معین نمایند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۹۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۴۳ و ص ۱۱۸). فایده تعیین اجل در تسلیم مهر اسقاط حق حبس زوجه است (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۹۹). دلیل اسقاط حق حبس زوجه در این فرض آن است که حق زوجه بر مطالبه مهر فعلیت ندارد و موکول به زمانی است که فرا نرسیده است، در حالی که حق زوج بر استمتاع فعلیت دارد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۱۵۹؛ نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۴۳ و ۱۱۸). از سوی دیگر، زوجه به میل خود راضی شد که قبل از قبض مهر، خود را تسلیم شوهر نماید؛ مانند کسی که مال خود را به ثمن مؤجل فروخته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۹۷). بنابراین حق حبس زوجه ساقط است (همان، ص ۲۷۳) و وی نمی‌تواند تمکین را به استیفای مهر منوط نماید. سقوط حق حبس در فرض مؤجل بودن مهر از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی قابل استنباط است؛ چه اینکه مطابق این قانون، زوجه در صورتی می‌تواند از تمکین امتناع نماید که «مهر او حال باشد».

#### ۲,۱,۱,۲. شرط استطاعت در تسليم مهر

راهکار قراردادی دیگر برای مدیریت مشکلات ناشی از مهر نامتعارف، اشتراط تعهد زوج به «استطاعت» است (ساردویی نسب، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴-۱۸۵). این شرط در حقیقت مهر را از حالت «عندالمطالبه» به «عندالاستطاعه» تغییر می‌دهد. این شرط مانند شرط تأجیل، حق حبس زوجه را ساقط می‌نماید. زیرا حق زوجه در مطالبه مهر مشروط به استطاعت زوج گردید و تا قبل از آن فعلیت ندارد؛ در حالی که حق زوج بر استمتاع فعلی بوده و مانع یا مزاحم ندارد (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸؛ و نک: کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۸). درباره نفوذ شرط استطاعت در تسلیم مهر اختلاف وجود دارد که پس از این اشاره می‌گردد.

## ۲،۱،۲. تعدیل قراردادی روابط غیرمالی زوجین

### ۲،۱،۲،۱. تحدید اختیارات ریاستی شوهر

قوامیت شوهر بر همسر حکم به شمار می‌آید و به همین دلیل، از طریق شرط ضمن عقد غیرقابل اسقاط و غیرقابل واگذاری است (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۰ و ۵۱). قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۰۵ با واژه «خصایص» نشان داده است که ریاست را وصف اختصاصی شوهر می‌داند. به عبارت دیگر، اصل ریاست شوهر جزء قواعد امری است و در نتیجه، مرد نمی‌تواند به اختیار از آن بگذرد و از مسئولیت‌های آن شانه خالی کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶). ولی برخی آثار قوامیت یا ریاست شوهر از طریق شرط ضمن عقد قابل تغییر است. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، با اشاره به حق شوهر در تعیین محل سکونت و امکان تغییر آن در ضمن عقد بیان می‌دارد: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید، مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد». بنابراین، زن می‌تواند از طریق شرط ضمن عقد، برخی محدودیت‌های ناشی از اختیارات ریاستی شوهر را کاهش دهد.

### ۲،۱،۲،۲. تحدید قراردادی چندهمسری

پیش از این اشاره شد که قانون چندهمسری می‌تواند بنیاد خانواده را سست و امنیت بانوان را تهدید نماید. اینک اشاره می‌شود که از طریق شرط ضمن عقد می‌توان اختیار شوهر در اختیار همسر دیگر را محدود کرد. در صورتی که شوهر در ضمن عقد نکاح به ترک تزوج متعهد شود، باید به شرط یا عهد خود وفا نماید. زیرا وفای به عهد (مأده، ۱) و



شرط (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۹) در شریعت اسلامی واجب است. آرای فقهای عظام پیرامون مشروعیت شرط چندهمسری را پس از این بررسی خواهیم کرد.

### ۲،۱،۲،۳. تحدید قراردادی حق طلاق شوهر

زن می‌تواند در ضمن عقد شرط کند که شوهر وی را بطور کلی یا بدون دلیل موجه طلاق ندهد. مطابق روایتی از منصور بن بزرگ از عبد صالح (موسی بن جعفر) علیهما السلام، از امام راجع به مردی سؤال شد که همسرش را طلاق داد و از وی جدا شد ولی پس از مدتی تصمیم گرفت رجوع کند و مجدداً با او ازدواج نماید؛ ولی این بار او نپذیرفت مگر این که مرد متعهد شود که او را طلاق ندهد و با او همسر دیگری اختیار نکند. مرد نیز پذیرفت ولی بعداً میل به ازدواج در وی ایجاد شد. امام در مورد عمل این مرد فرمود: پس باید برای زن به شرط خود وفا نماید، زیرا رسول خدا (ص) فرمود: مؤمنان به شرط میان خود پایبند هستند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۳۲). البته این روایت معارض دارد که پس از این مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۲،۱،۲،۴. نمایندگی قراردادی زوجه از شوهر

برخی اختیارات شوهر که باعث محدودیت زن در زندگی مشترک می‌شود، از طریق شرط ضمن عقد قابل توکیل است:

۱) حق طلاق شوهر از طریق شرط ضمن عقد به صورت مطلق یا مشروط قابل توکیل است. در اسناد نکاحیه جمهوری اسلامی ایران، از روش وکالت مشروط استفاده شده است. مطابق بند (ب) از شروط ضمن عقد در اسناد نکاحیه، «ضمن عقد نکاح (یا عقد خارج لازم) زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه زیر با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه نماید...». ذیل این دوازده بند به عنوان شروط وکالت ذکر شده است.

۲) حق شوهر در قبول بذل در طلاق خلع، از طریق شرط ضمن عقد قابل توکیل است. در اسناد نکاحیه جمهوری اسلامی ایران از همین روش برای پیشگیری از مخالفت شوهر در طلاق خلع یا سوء استفاده مالی وی استفاده شده است. در بخش اخیر بند (ب) شرط مربوط به وکالت در طلاق در اسناد رسمی ازدواج چنین آمده است: «...و نیز به زوجه

وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول بذل نماید». مطابق این بند از وکالت نامه، چنانچه زوجه بخواهد به طلاق خلع از شوهر جدا شود، می‌تواند بخشی از مهر را بذل و به وکالت از شوهر آن را قبول نماید.

## ۲،۲. چالش‌های حقوقی روش قراردادی تعدیل آثار عقد نکاح

در بند سابق، ظرفیت قراردادهای خصوصی یا شروط ضمن عقد در تعدیل آثار قانونی عقد نکاح تبیین گردید. از مباحث سابق معلوم شد، طرفین عقد نکاح می‌توانند امنیت حقوقی خود را از طریق شرط ضمن عقد تأمین و بر اضطراب خود غلبه نمایند. مسأله‌ی مهمی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که استفاده از ظرفیت شروط ضمن عقد، چالش‌های فقهی و حقوقی متعددی دارد که اگر حل نشود، تأثیر این روش در کنترل ازدواج‌هراسی بسیار کاهش می‌یابد. به چالش‌های مهم نظریه شرط ضمن عقد در حقوق ایران اشاره خواهیم کرد.

### ۲،۲،۱. اعتبار شرعی بعضی شروط عقد نکاح

بلحاظ فقهی، شروط مغایر کتاب و سنت اعتباری ندارد (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۱). قانون مدنی نیز بر بی‌اعتباری شروط نامشروع تأکید (ماده ۲۳۲ ق.م) و بعضی را مبطل عقد دانسته است (ماده ۲۳۳ ق.م). به شرحی که در ادامه بیان خواهد شد، در اعتبار شرعی بعضی شروط ضمن عقد نکاح بلحاظ فقهی اختلاف نظر وجود دارد.

#### ۲،۲،۱،۱. مشروعیت مهر به عندالاستطاعه

در حالی که گروهی از فقهاء، شرط استطاعت در تسلیم مهر را مشروع شمرده‌اند (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸؛ تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۶۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۹، ص ۴۵۴)، بعضی دیگر در مشروعیت آن به علت مجهول بودن تردید کرده‌اند. صاحب جواهر نوشته است: اگر اجل مجهولی را مانند آمدن حجاج و مثل آن معین کنند که احتمال زیادی یا کمی در آن می‌رود؛ بطور قطع بیع باطل است. بلکه ممکن است، اجل مجهول باعث جهل به ثمن شود؛ زیرا برای اجل قسطی از ثمن است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۰۰). عبارت صاحب جواهر ناظر به عقد بیع است؛ ولی حق حبس از آثار عقود معاوضی است و

از معاوضات به نکاح راه یافته است. بنابراین، از نظر صاحب جواهر شرط استطاعت در تسلیم مهریه نیز بی اعتبار است. زیرا زمان تحقق این شرط نامعلوم است.

ممکن است گفته شود: نکاح با عقد بیع قابل قیاس نیست؛ زیرا نکاح عقد غیر مالی است و مهر در آن تعهد فرعی به شمار می آید؛ به همین دلیل علم اجمالی در آن کفایت می کند. این مطلب صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا اشتراط حق زوجه بر استطاعت زوج کلاً مجهول است و معلوم نیست که کی حاصل می گردد و اساساً هیچگاه حاصل می گردد یا خیر. به همین دلیل، بعضی فقهاء شرط انتقال تا نصف دارایی در سند نکاحیه را به علت مجهول بودن باطل شمرده اند (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۶۵). شرط انتقال تا نصف دارایی بطور اجمالی معلوم است، در حالی که شرط عند الاستطاعه بطور کلی مجهول است؛ در نتیجه به طریق اولی باطل است. با وجود این، مطابق دستورالعمل شماره ۱۳۴/۵۳۹۵۸ - ۱۳۸۵/۱۱/۷ سازمان ثبت اسناد و املاک، سردفتران دفاتر رسمی ازدواج مکلف شده اند مفاد شرط عند الاستطاعه را برای زوجین تفهیم و در صورت تراضی طرفین، آن را در سند نکاحیه ثبت نمایند.

#### ۲، ۲، ۱، ۲. مشروعیت شرط ترک تزوج

در اعتبار شرعی شروط ترک تزوج برای تحدید اختیار شوهر در چند همسری نیز اختلاف نظر جدی وجود دارد. به باور جمعی از فقهاء، شرط ترک تزوج نامشروع است. این نظریه، در فقه امامیه رویکرد غالب است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۷۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۶۲؛ امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۲). بعضی بطلان شرط ترک تزوج را معروف (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۹۸) یا مشهور (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۴، ص ۵۲۵) دانسته اند. این در حالی است که گروهی دیگر از فقهاء، شرط مزبور را مشروع و وفای به آن را لازم می دانند (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۸ - ۲۵۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۳۸۹ و ۳۹۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۱؛ سیستانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۰۲). امام خمینی، که در کتاب فتوایی خود (تحریر الوسیلة)، شرط مزبور را نامشروع شمرد، در اثر تحلیلی خود، مشروعیت آن را پذیرفته است (امام

خیمینی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۲۶۴). برای رعایت اختصار، این نوشتار از بررسی و ارزیابی ادله نظریه‌های فوق خودداری می‌نماید (نک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۵۰).

## ۲.۲.۲. ماهیت امری قوانین خانواده

می‌دانیم که قواعد حقوقی به امری و تکمیلی تقسیم می‌شوند. قواعد امری خارج از توافق خصوصی طرفین و توافق برخلاف آن بی‌اثر است. زیرا مفاد آنها به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ارتباط دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۳) در حالی که قوانین تکمیلی به منظور تعبیر اراده افراد و تنظیم شیوه قرارداد وضع شده و توافق بر خلاف آن پذیرفته است (همان). به همین دلیل، قواعد تکمیلی را تفسیری یا تعویضی نیز نامیده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۱۹).

تبیین ماهیت امری یا تکمیلی قوانین خانواده در مباحث مربوط به شروط ضمن عقد نکاح بسیار حائز اهمیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴۴). زیرا حدود اختیار زوجین در تعدیل آثار عقد نکاح به ماهیت امری یا تکمیلی قوانین مورد نظر بستگی دارد. با وجود این، در قانون مدنی، از جمله در قوانین مربوط به خانواده، مقرراتی وجود دارد که امری یا تکمیلی بودن آن روشن نیست. به عنوان نمونه، می‌توان به ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی اشاره کرد. مطابق این قانون، «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده (۱۳۵۳) مقررات کامل‌تری راجع به این مطلب دیده می‌شود. در این قانون آمده است: «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند». حال مسئله این است که زوجین می‌توانند در ضمن عقد نکاح بر اسقاط حق شوهر در مخالفت با شغل همسر بطور کلی حتی مشاغل منافی با مصالح خانواده توافق نمایند و چنین توافقی معتبر است یا خیر؟ درباره این پرسش اتفاق نظر وجود ندارد:

۱) بعضی نویسندگان شرط مزبور را بی‌اثر دانسته و نوشته‌اند: «ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده یک قاعده آمره است و توافق طرفین بر خلاف آن مؤثر نیست»؛ (صفایی و امامی،

۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۴). نیز گفته‌اند: «رضایت شوهر از اختیار قانونی آن نمی‌کاهد؛ زیرا منع زن تنها حق مرد نیست که بتوان ادعا کرد با اعلام رضایت ساقط شده است. بقای این اختیار در زمره مسایل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن در شمار تکالیف و مسئولیت‌های شوهر در اداره خانواده است»؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۵؛ قاسم‌زاده، ره‌پیک و کیایی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۳). از اداره حقوقی قوه قضاییه نیز همین نظریه صادر شده است (بازگیر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷۱).

۲) در مقابل نظریه فوق، بعضی شرط مزبور را نافذ شمرده و نوشته‌اند: «اگر اشتغال زوجه قبل از ازدواج بوده یا بعد از ازدواج با اذن خود زوج انجام یافته باشد، در این دو صورت زوج نمی‌تواند منع کند»؛ (دیانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰). کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۷) و معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری (نظریه شماره ۱۸/۱۷۴۴ مورخ ۷۵/۱۰/۴) نیز همین نظریه را ابراز داشته‌اند.

در خصوص ماهیت امری یا تکمیلی بعضی مواد دیگر قانون مدنی نظیر مواد ۱۱۰۶ (نفقه زوجه) و ۱۱۱۸ (استقلال مالی زوجه) نیز ابهام وجود دارد و معلوم نیست شرط عدم اتفاق به زوجه یا اشتراک اموال زوجین نافذ است یا خیر. همچنین معلوم نیست شرط وراثت در نکاح منقطع نافذ است یا خیر.

### ۲، ۲، ۳. نفوذ شروط بدوی عقد نکاح

در صورتی که شروط مورد نظر زوجین، خارج از ایجاب و قبول و به صورت مستقل به توافق آنان برسد، به آن شرط ابتدایی یا بدوی گفته می‌شود و در الزام‌آوری آن به لحاظ فقهی تردید وجود دارد. زیرا ادله لزوم وفای به عقد ویژه عقود معهود زمان شارع است و اطلاق آن شامل عقود مستحدثه نمی‌شود (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۱۹ و ۲۰). از سوی دیگر، موضوع‌له حقیقی شرط، الزام و التزام در ضمن عقد است و شرط بدوی حقیقتاً شرط نیست؛ بنابراین ادله لزوم وفای به شرط شامل شرط بدوی نمی‌شود (غروی نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵۲؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۵). بر فرض که شروط بدوی و عقود جدید نافذ و لازم الوفاء باشند (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۲)، به اجماع فقها، این قبیل توافق‌ها در

عقد نکاح نافذ نمی‌باشد (همان). با وجود این، بعضی حقوقدانان در اظهار نظری مخالف، با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی،<sup>۱</sup> شروط بدوی را لازم‌الوفاء شمرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۴۶-۱۴۴). آنان نوشته‌اند: «در فقه چون الزام‌آور بودن این گونه قراردادها مشروط به این بود که ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری درآید، نقش قراردادهای خصوصی در نکاح را زیر عنوان شروط ضمن عقد بررسی می‌کردند. امروز این ضرورت وجود ندارد، زیرا قراردادهای بی‌نام نیز ممکن است به‌طور مستقل واقع شود و همان اثر شرط را دارد»؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۵). به شرحی که بیان می‌گردد، این مطلب قابل مناقشه است:

گذشته از اجماع فقهی در عدم لزوم شروط بدوی در عقد نکاح، ماده ۱۰ قانون مدنی در بخش قواعد عمومی آمده است و در صورتی در باب نکاح جریان دارد که در مقررات این قسمت حکم خاصی ذکر نشده باشد. درحالی‌که قانونگذار در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی به‌طور خاص درباره شروط عقد نکاح آورده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند...». مشاهده می‌شود، این قانون به طرفین عقد ازدواج اجازه داده است که در «ضمن عقد ازدواج» یا «عقد لازم دیگر» شروطی را بگنجانند. اگر آن‌طور که بعضی اساتید حقوق گفته‌اند، ضرورتی به درج توافق خصوصی در عقد نکاح نباشد، مفاد ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی لغو خواهد بود. ظاهراً به همین دلیل ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی وعده نکاح را الزام‌آور ندانسته و تصریح می‌کند: «وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند...؛ بنابراین هریک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ‌وجه او را مجبور به ازدواج کرده...»، اما اگر وعده نکاح ضمن عقد لازمی محقق شود، وفای به آن لازم خواهد بود. مثل اینکه مردی در ضمن یک عقد بیع، خود را به ازدواج با خواهر یا دختر فروشنده متعهد کند. چنین توافقی مشمول ادله لزوم وفای به شرط خواهد بود.

۱. ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است».

مبتنی بر مطالب گذشته، به نظر نگارنده مفاد ماده ۱۰ قانون مدنی در باب نکاح جریان ندارد. با توجه به سابقه فقهی مسئله، ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، درج شرط در ضمن عقد لازم را ضروری دانسته است. ذکر این نکته نیز لازم است که به لحاظ فقهی و حقوقی، هرگاه طرفین قبل از عقد بر امری توافق و عقد را بر مبنای آن جاری کنند، چنین توافقی شرط «بنایی» یا «تبنایی» نامیده می‌شود و در حکم شرط مذکور در ضمن عقد است. قانون مدنی این مطلب را در ماده ۱۱۲۸ بیان کرده است: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبنائاً بر آن واقع شده باشد».

#### ۲،۲،۴. ضمانت اجرای بازدارنده

چالش دیگر شروط ضمن عقد نکاح، فقدان ضمانت اجرای مؤثر برای آن است. مهم‌ترین ضمانت اجرای شروط ضمن عقد، حق فسخ مشروطه است. مطابق ماده ۲۳۵ ق.م. «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ خواهد داشت». همچنین مطابق ماده ۲۳۹ ق.م. «هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت». اختیار تخلف از شرط صفت در باب نکاح نیز جریان دارد (ماده ۱۱۲۸ ق.م)؛ ولی درباره اختیار تخلف از شرط فعل در قانون مدنی حکمی نیامده است. پیش از این آرای فقها عظام درباره شرط ترک تزوج و عدم طلاق مورد توجه قرار گرفت و اشاره شد که به فتوای گروهی از فقهای عظام، این قبیل شروط نافذ هستند. با وجود این، تخلف از شروط مزبور اثری در بطلان یا فسخ نکاح ندارد و فرد متخلف تعزیر خواهد شد (موسوی خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۳۸۹ و ۳۹۰؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۰۲). معدودی از فقها، به بطلان ازدواج واقع شده فتوا داده (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۱) و گروهی از فقهای اهل سنت حق فسخ را ثابت دانسته‌اند (ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۴۴۷؛ و ن.ک: ابن قدامه، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۵۲۶).

## نتیجه و پیشنهاد کاربردی

مسأله اصلی پژوهش کنونی، علت‌های حقوقی ازدواج‌هراسی و نیز ظرفیت‌های دانش حقوق در پیشگیری از آن است. بررسی‌های این نوشتار نشان داد که برخی ساختارهای قانونی ازدواج‌هراسی، از طریق تغییر فتوای معیار و بعضی دیگر از طریق تغییر حکم مبنای قانونگذاری قابل اصلاح است. همچنین، پژوهش کنونی نشان داد که شرط ضمن عقد از ظرفیت ویژه‌ای برای کنترل ازدواج‌هراسی برخوردار است. استفاده از ظرفیت شروط ضمن عقد برای کنترل ازدواج‌هراسی مستلزم آن است که اعتبار شرعی شروط عقد نکاح تبیین شود. ابهام‌زدایی از ماهیت امری یا تکمیلی قواعد حقوقی خانواده و همچنین، ابهام‌زدایی از نفوذ شروط بدوی در عقد نکاح برای بهره‌برداری از ظرفیت شروط ضمن عقد به‌منظور کنترل ازدواج‌هراسی ضروری است.

به علت پائین بودن سطح دانش فقهی و حقوقی عامه مردم، از ظرفیت قراردادی تعدیل آثار قانونی عقد نکاح به درستی استفاده نمی‌شود. به همین دلیل در سال‌های گذشته، برخی شروط ضمن عقد به اسناد رسمی نکاحیه ملحق گردید تا زمینه تفاهم و توافق بر آن فراهم گردد. نگارنده ضمن تأکید بر لزوم بازبینی و بروزرسانی شروط ضمن عقد اسناد نکاحیه، پیشنهاد می‌نماید دو یا سه قرارداد نمونه برای ازدواج جوانان طراحی و در دسترس آنان قرار گیرد. در شرایط کنونی، جوانان چاره‌ای جز پذیرش شروط ضمن عقد مندرج در اسناد رسمی نکاحیه ندارند. زیرا جایگزینی برای آن وجود ندارد. در صورتی که قالب‌های متعددی از شروط ضمن عقد طراحی گردد، جوانان می‌توانند هر کدام را که با شرایط خود منطبق می‌بینند انتخاب و بر آن توافق کنند. در حقوق بعضی کشورها مانند فرانسه، از این تجربه استفاده شده و الگوهای متعدد افتراق یا اشتراک اموال زوجین وجود دارد و طرفین عقد ازدواج می‌توانند روابط مالی خود را در دوران زوجیت بر اساس یکی از آنها تنظیم کنند (الماسی و محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷-۱۴۷).



## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن إدريس حلی، محمد بن منصور بن أحمد، السرائر، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰.
۲. ابن قدامه، عبدالرحمن، الشرح الكبير، موسسه فرهنگي و اطلاع رسانی تبيان (نشر الکترونیکی)، قم، ۱۳۸۷.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، دار الكتاب العربی، بیروت، بیتا.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدۃ البیان فی احکام القرآن، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ اول، تهران، بی تا.
۵. الماسی، نجادعلی و محمدی، مرتضی، ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران و فرانسه، نامه مفید، شماره ۲۹، ۱۳۸۱.
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۰.
۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۸. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۹. بازگیر، یدالله، حقوق خانواده (قانون مدنی در آینه آرای دیوان عالی کشور)، انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۱۰. بحرانی، یوسف بن أحمد، الحقائق الناطرة، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۰۵.
۱۱. تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین، مجمع الإمام المهدی (عج)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۲.

۱۳. حائری طباطبائی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الأولى، قم، ۱۴۱۸.
۱۴. حکیم، سید محمد تقی، الاصول العامة للفقہ المقارن، المجمع العالمی لاهل البيت عليهم السلام، الطبعة الثانية، قم، ۱۴۱۸.
۱۵. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین ابوالصلاح، الکافی فی الفقہ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، الطبعة الاولى، اصفهان، ۱۴۰۳.
۱۶. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، مکتبه الصدوق، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵.
۱۸. دیانی، عبدالرسول، حقوق مدنی خانواده، امید دانش، تهران، ۱۳۷۹.
۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الكتاب العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۷.
۲۰. ساردویی نسب، محمد، مطالعات راهبردی زنان «تحلیل حقوقی مهریه عندالاستطاعه یا عندالمطالبه»، سال یازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۸.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء، مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ اول، قم، ۱۴۱۸.
۲۲. سبحانی تبریزی، رساله توضیح المسائل، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۹.
۲۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحکام، مکتب آیه الله السید السبزواری، الطبعة الرابعة، قم، ۱۴۱۳.
۲۴. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.

۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، کتابفروشی داورى، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، أحكام النساء، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
۲۹. طباطبائی حکیم، سیدمحمدسعید، منهاج الصالحین، دار الصفوة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۳۲. عاملی، سید محمد، نهایة المرام، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، موسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، قم، ۱۴۲۰.
۳۴. غروی نائینی، میرزا محمد حسین، مکاسب و البیع، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. فاضل لنکرانی، محمد، الأحکام الواضحة، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ چهارم، قم، ۱۴۲۲ ق.
۳۶. فاضل هندی، کشف اللثام، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۶ ق.
۳۷. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، انتشارات صدر، چاپ دوم، تهران، ۱۴۱۵ ق.

۳۹. قاسم‌زاده، سیدمرتضی، ره‌پیک، حسن، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، سمت، تهران، ۱۳۸۲.
۴۰. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
۴۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع)، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۶.
۴۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴۵. محقق حلّی، جعفر بن حسن حلّی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۴۶. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های خانواده، جنگل - جاودانه، تهران، ۱۳۸۶.
۴۷. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی (نکاح ۱)، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۲.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، کتاب البیع، مدرسه الامام امیر المومنین، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. موسوی خوئی، سید ابو القاسم، منهاج الصالحین، نشر مدینه العلم، قم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ ق.
۵۱. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، کتاب القضاء، دار القرآن الکریم، قم، [بی تا].
۵۲. مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، سازمان انتشارات مؤسسه کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبه السؤالات، مؤسسه کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۳ق.
۵۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، بی تا.
۵۵. نراقی، مولی احمد، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۶. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.
۵۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله، اختلال جنسی و حقوق خانواده، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۵۸. هدایت‌نیا، فرج‌الله، انزجار زوجه و وجوب طلاق خلع در قرآن، دوفصلنامه علمی-پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۵۹. هدایت‌نیا، فرج‌الله، چندهمسری در قرآن؛ چالش‌ها و رویکردها، فصلنامه علمی-پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۶۰. هدایت‌نیا، فرج‌الله، شورای نگهبان: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۹.
۶۱. هدایت‌نیا، فرج‌الله، فلسفه حقوق خانواده، ج ۳ (نقد و بررسی قوانین خانواده در ایران)، شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸.
۶۲. هدایت‌نیا، فرج‌الله، ناداری شوهر؛ طلاق قضایی یا تأمین اقتصادی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹.